

پژوهش‌نامه نقد و هابیت؛ سراج منیر ◊ سال سیزدهم ◊ شماره ۵۲ ◊ زمستان ۱۴۰۲  
صفحات: ۱۰۳-۸۷ ◊ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۸ ◊ تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۱۰/۲۱



## اعتبارسنجی حدیث مُواخات در خوانش

### علمای اهل سنت و ابن تیمیه

سعید سلمانی\*

محمد علی دوست\*\*

#### چکیده

ابن تیمیه در کتاب منهج السنه، تمام تلاش خویش را در نقد و نقض فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام، مصروف داشته است. فضیلت مُواخات و ایجاد پیوند برادری میان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام از جمله فضائلی است که مورد نقد وی قرار گرفته است. در اندیشه ابن تیمیه، این فضیلت متکی بر احادیث جعلی بوده و در نتیجه، فاقد اعتبار است؛ در حالی که تفحص در آثار اهل تسنن، بیانگر دیدگاهی برخلاف ادعای ابن تیمیه است. محدثان و عالمان اهل سنت، ماجرای مُواخات میان صحابه و مُواخات حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت امیر علیه السلام را با اسناد معتبر، در آثار خود نقل نموده‌اند. این مسئله در میان جمعی از حدیث‌شناسان متقدم و معاصر اهل سنت، به قدری ثابت بوده که در توصیف امیرالمؤمنین علیه السلام از صفت «أخو الرسول» استفاده نموده‌اند که در این مقاله، به تعداد قابل ملاحظه‌ای از این افراد اشاره شده است؛ از این رو، ادعاهای ابن تیمیه علاوه بر اینکه کذب می‌باشد، در تقابل با افکار و آراء عموم اهل تسنن قرار دارد.

**کلیدواژه‌ها:** حدیث مُواخات، ایجاد پیوند برادری، ابن تیمیه، منهج السنه.

---

\* دانش‌پژوه سطح ۴ نقد و هابیت و پژوهشگر مؤسسه سراج منیر توحید  
saedsalmani0313@gmail.com

\*\* فارغ‌التحصیل سطح سه مؤسسه امام صادق علیه السلام و دانش‌پژوه مؤسسه سراج منیر توحید  
m.alidoost1370@gmail.com

## مقدمه

منابع شیعه<sup>۱</sup> و اهل تسنن<sup>۲</sup>، مملو از فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام است؛ به صورتی که برخی از صاحب نظران اهل تسنن، بر این باور بوده اند که در میان صحابه، شخصیتی وجود ندارد که فضائل وی، مانند علی بن ابی طالب علیه السلام، با معتبرترین سندها نقل شده باشد.<sup>۳</sup>

واقعه مؤاخات از جمله این فضائل است که توسط فریقین نقل شده است و بیانگر جایگاه والای امیرالمؤمنین علیه السلام می باشد. علیرغم نقل این فضیلت در کتب شیعه<sup>۴</sup> و اهل سنت،<sup>۵</sup> ابن تیمیه در منهج السنة، درصدد انکار این فضیلت است. تاکنون از سوی محققین و پژوهشگران، تألیفاتی در خصوص حدیث مؤاخات شکل گرفته است.<sup>۶</sup> آیت الله

۱. «برخی از منابع شیعه که فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام را متذکر شده اند، عبارتند از: المعیار و الموازنة فی فضائل الإمام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و بیان افضلیته علی جمیع العالمین بعد الانبیاء و المرسلین، تألیف محمد بن عبد الله اسکافی؛ مناقب آل ابی طالب، تألیف ابن شهر آشوب؛ کشف الیقین فی فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام، تألیف حسن بن یوسف حلّی؛ الأربعون حدیثاً عن أربعین شیخاً من أربعین صحابياً فی فضائل الإمام امیرالمؤمنین علیه السلام، تألیف علی بن عبیدالله منتجب الدین، الروضة فی فضائل امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام، تألیف شاذان بن جبریل؛ فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام، تألیف احمد بن محمد بن محمد بن عقده؛ المراتب فی فضائل امیرالمؤمنین و سید الوصیین علی بن ابی طالب علیه السلام، تألیف اسماعیل بن احمد بستنی ستجستانی».

۲. «برخی از منابع اهل تسنن که فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام را متذکر شده اند، عبارتند از: فضائل امیرالمؤمنین علی بن ابی-طالب علیه السلام، تألیف احمد بن حنبل؛ خصائص امیرالمؤمنین علیه السلام، تألیف احمد بن شعیب نسائی؛ مناقب امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام، مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام و ما نزل من القرآن فی علی، تألیف احمد بن موسی مردویه؛ تألیف ابن مغازلی؛ مناقب الامام امیرالمؤمنین علیه السلام، تألیف موفق بن احمد خوارزمی؛ أَسْتَى المطالب فی مناقب سیدنا علی بن ابی طالب علیه السلام، تألیف محمد بن محمد بن یوسف جزری؛ جواهر المطالب فی مناقب الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، تألیف محمد بن احمد الدمشقی الباعونی الشافعی، کفایة الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام، تألیف محمد بن یوسف الکنجی الشافعی».

۳. «به عنوان نمونه، از احمد بن حنبل نقل شده است: قال عبدالله بن أحمد بن حنبل: سمعت أبي يقول: ما لأحد من الصحابة من الفضائل بالأسانيد الصحاح مثل ما لعلی»؛ (ابن جوزی، محمد، مناقب الإمام أحمد، ص ۲۱۳).

برخی دیگر از اندیشمندان اهل تسنن، این دیدگاه را در کتب خویش بازتاب داده اند که عبارتند از: (غماری، احمد بن محمد بن صدیق، فتح الملک العلی بصحة حدیث باب مدینة العلم علی، ص ۲)؛ (هیتمی، احمد بن محمد، الصواعق المحرقة علی أهل الرفض والضلال والزندقة، ج ۲، ص ۳۵۳)؛ (بخاری دهلوی، عبدالحق بن سیف الدین، لمعات التنقیح فی شرح مشکاة المصابیح، ج ۹، ص ۶۴۹).

۴. «مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۳۸، ص ۳۳۰، باب الاخوة و کثیر من النصوص»؛ «شوشتری، نورالله بن شریف-الدین، إحقاق الحق و إزهاق الباطل، ج ۶، ص ۴۶۱، الباب التاسع عشر بعد المائة فی أن علیاً آخر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم».

۵. «ابن حنبل شیبانی، احمد، فضائل الصحابة، ج ۲، ص ۶۱۷»؛ «مالکی، ابن عربی، عارضة الاحوذی بشرح الصحیح الترمذی، ج ۱۳»؛ «بلادری، أحمد بن یحیی، جمل من أنساب الأشراف، ج ۲، ص ۱۴۴».

۶. به عنوان نمونه می توان به عناوین ذیل اشاره کرد.

الف: پیمان مؤاخات، بهرامی، روح الله.

سیدعلی میلانی در کتاب دراستات فی منهج السنة لمعرفة ابن تیمیه و پایگاه اینترنتی مجمع جهانی شیعه‌شناسی با رویکرد نقد اشکالات ابن تیمیه به حدیث مؤاخات، مطالبی ارائه کرده‌اند. وجه تمایز پژوهش حاضر، با کتاب دراستات فی منهج السنة لمعرفة ابن-تیمیه، در شیوه ارائه بحث و ورود تخصصی به این حوزه است. آیت‌الله میلانی به ذکر کتبی که حدیث مؤاخات را نقل نموده و مختصری از اقوال علمای اهل تسنن در صحت این روایت بسنده نموده است؛ همچنین نوشتار منتشر شده از سوی مجمع جهانی شیعه-شناسی، بسیار مختصر بوده و مسئله حاضر را به صورت کامل ارائه نکرده است؛ در حالی-که در این پژوهش، بر اشکال سندی ابن تیمیه به حدیث مؤاخات و تقابل دیدگاه او با سایر علمای متقدم و متأخر اهل تسنن، تمرکز شده است؛ بنابراین، شناخت دیدگاه علمای اهل سنت، پیرامون اصل وقوع این واقعه و برقراری برادری بین امیرالمؤمنین و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ضروری است.

بدیهی است که همگان به دنبال یافتن حقیقت می‌باشند؛ لکن ابن تیمیه با نگاشتن کتاب منهج السنه خلاف این رویه عقلانی را پیموده و سبب شده تا برخی با اعتماد بر کتب او، آراء و بیانات او را حق دانسته و بیانات او را بپذیرند. برای کشف حقیقت و نشان دادن بی‌اساس بودن بسیاری از آراء ابن تیمیه، ضروری است که انظار و آراء او مورد بررسی دقیق قرار گرفته و با سایر علمای اهل سنت مقایسه شود. این نوع عملکرد سبب می‌شود که خواننده منصف دریابد، ابن تیمیه، قابل اعتماد نمی‌باشد و نمی‌بایست تمام بیانات او را تلقی به قبول نمود؛ همچنین از این دروازه می‌توان، خط اصیل اسلامی را مشخص کرد و از آن، نتایج منحصر به فردی را استنباط نمود.

ب: مؤاخاة النبی و فلسفة المؤاخاة، السید علی مرتضی.

ج: المجهول من تاریخ السیرة النبویة: مؤاخاة رسول الله بین المسلمین الاولین فی مکه و هی المؤاخاة الاولى.

د: حکمة الرسول الکریم: المؤاخاة بین المهاجرین و الانصار.

ه: آیت الله ربانی گلپایگانی در دروس امامت خویش، حدیث مؤاخاة را به صورت کلی مورد بررسی قرار داده و اشکالات مطرح شده از سوی مخالفین را نقد کرده است. رک:

<https://sath3.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/97/970710/>

## دیدگاه ابن تیمیه پیرامون حدیث مؤاخات

ابن تیمیه در راستای نقد فضائل و مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام، اصل اخوت بین امیرالمؤمنین و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را مورد انکار قرار داده است. وی در این رابطه می‌نویسد: حدیث مؤاخات، از احادیث باطل و جعلی می‌باشد. پیامبر صلی الله علیه و آله نه در میان مهاجرین و نه در میان انصار برای هیچ شخصی، پیوند برادری ایجاد نکرد. تنها میان مهاجرین و انصار، پیوند برادری برقرار کرد.<sup>۱</sup>

نقدی که ابن تیمیه در مورد حدیث مؤاخات بیان کرده است، دو رکن دارد.

۱. حدیث مؤاخات بین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باطل و جعلی است.
۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تنها میان مهاجران و انصار پیوند برادری ایجاد نمود؛ نه بین مهاجران با مهاجران و یا انصار با انصار.

در این مقاله سعی شده، بخش اول مورد مناقشه و اشکال قرار گیرد. مبنای مناقشه در ادعای ابن تیمیه، استفاده از نظرات عالمان اهل سنت بوده است؛ از این رو، به منابع شیعی مراجعه نشده است. با مراجعه به آثار اهل سنت این نتیجه به دست می‌آید که برخلاف دیدگاه ابن تیمیه، حدیث مؤاخات و فضیلت ایجاد پیوند برادری میان پیامبر و امیرالمؤمنین علیه السلام از نظر اهل سنت مسئله‌ای ثابت شده است.

## دیدگاه علمای اهل سنت در مورد ماجرای مؤاخات

### الف: افرادی که حدیث مؤاخات را با سند معتبر نقل نموده‌اند

#### ۱. محمد بن عیسی ترمذی (متوفای ۲۷۹ق)

در کتاب سنن ترمذی، به ماجرای حدیث اشاره شده و در مورد اعتبار آن گفته شده: این حدیث حسن است. وی می‌نویسد: عبدالله بن عمر نقل کرده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در میان اصحاب خود پیوند برادری ایجاد کرد. امیرالمؤمنین علیه السلام در حالی که چشمانش از

۱. «أما حدیث المؤاخاة فباطل موضوع، فإن النبی - صلی الله علیه وسلم - لم یؤاخ أحدا، ولا أخی بین المهاجرین بعضهم مع بعض، ولا بین الأنصار بعضهم مع بعض، ولكن أخی بین المهاجرین والأنصار»؛ (ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، منهج السنة، ج ۴، ص ۳۳-۳۲).

اشک پر شده بود، نزد پیامبر ﷺ آمده و عرض کرد: ای پیامبر خدا ﷺ، میان اصحابت پیوند برادری ایجاد نمودی؛ اما میان من و کسی از صحابه چنین ارتباطی برقرار نمودی. پیامبر ﷺ به ایشان فرمودند: تو برادر من در دنیا و آخرت هستی.<sup>۱</sup>

### ۲. احمد بن یحیی بلاذری (متوفای ۲۷۹ق)

بلاذری در کتاب انساب الاشراف هنگام اشاره به مناقب امیرالمومنین علیه السلام، بایستی را به ماجرای «مواخات» اختصاص داده است.<sup>۲</sup> وی در ادامه، به حدیثی با این موضوع اشاره نموده و می‌نویسد: پیامبر خدا ﷺ در میان اصحاب خود پیوند برادری ایجاد نمود. علی علیه السلام به ایشان عرض کرد: ای پیامبر خدا ﷺ، میان اصحابت پیوند برادری ایجاد نمودی و من را رها کردی؟ پیامبر ﷺ فرمود: تو برادر من هستی.<sup>۳</sup>

تمام روایان این حدیث، طبق بررسی نرم افزار «موسوعة الحدیث النبوی»، به لحاظ سندی و رجالی معتبر هستند.<sup>۴</sup>

### ۳. ابن عبدالبرّ (متوفی ۴۶۳ق)

در کتاب الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، روایات متعددی در مورد برادری میان رسول خدا و امیرالمومنین علیه السلام نقل شده است. ضمن اشاره به ماجرای مواخات چنین نگاشته شده است که: علی علیه السلام در شورای شش نفره که توسط عمر انتخاب شده بودند، فرمود: شما را به خدا قسم می‌دهم، آیا در میان شما کسی جز من وجود دارد که با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، پیمان برادری بسته باشد؟ ابوعمر (ابن عبدالبرّ) می‌گوید: ما از چند طریق از علی علیه السلام نقل کرده‌ایم که می‌فرمود: من بنده خدا و برادر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هستم. هیچ‌کس جز من این ادعا را نکند، مگر اینکه دروغگو است. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم میان مهاجرین در مکه عقد

۱. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، ص ۸۴۳، ح ۳۷۱۸.

۲. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۹۱.

۳. «عن زید بن أرقم قال: أخی رسولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَيْنَ أَصْحَابِهِ فَقَالَ عَلِيٌّ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَخَيْتَ بَيْنَ أَصْحَابِكَ وَتَرَكَتَنِي؟ فَقَالَ: أَنْتَ أَحْيَىٰ أَمَا تَرْضَىٰ أَنْ تَدْعَىٰ إِذَا دُعِيتَ، وَتَكْسِي إِذَا كُسِيتَ وَتَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِذَا دَخَلْتُ؟ قَالَ: بَلَىٰ يَا رَسُولَ اللَّهِ»؛ (بلاذری، احمد، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۱۴۵، ح ۱۴۲).

4. <https://hadith.islam-db.com/single-book/196/>.

اخوت خواندند؛ سپس در مدینه میان مهاجر و انصار پیمان برادری بستند. در هر دو پیمان، ایشان به علی عَلِيٌّ فرمودند: تو در دنیا و آخرت برادر من هستی، و میان علی عَلِيٌّ و خود، عقد اخوت خواندند.<sup>۱</sup>

#### ۴. ابن جوزی (متوفی ۵۹۷ق)

ابن جوزی در کتاب «المجتبی من المجتبی» برادری میان اصحاب را به ترتیب حروف الفباء ذکر کرده است. وی در حرف عین می‌نویسد: پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ میان عمر و ابوبکر و میان عتبان بن مالک و عمر و میان عثمان و عبدالرحمان و میان علی عَلِيٌّ و خودش پیمان برادری برقرار کرد.<sup>۲</sup>

#### ۵. ابن حجر عسقلانی (متوفی ۸۵۲ق)

ابن حجر عسقلانی در فتح الباری ضمن شرح باب «كَيْفَ آخَى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَيْنَ أَصْحَابِهِ»، انکار ماجرای مؤاخات توسط ابن تیمیه را نقل و آن را رد کرده است. ابن حجر، دلیلی که ابن تیمیه بیان کرده است را مصداق اجتهاد در مقابل نص می‌داند. به باور وی، اینکه ابن تیمیه معتقد است، جریان پیمان برادری میان مهاجر و انصار بی‌معنا است، نادرست است؛ زیرا ابن تیمیه از حکمت مؤاخات غافل شده است. با عنایت به اینکه، برخی مسلمانان به لحاظ مالی، تمکن بیشتری داشتند و عشیره قوی‌تری داشتند، پس از عقد اخوت با یک مسلمان ضعیف‌تر، او را مساعدت می‌کردند؛ علاوه بر اینکه، وجه عقد اخوت میان امیرالمومنین و حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز، به این دلیل بود که امیرالمومنین عَلِيٌّ از کودکی در خانه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بزرگ شده بودند و خواندن پیمان برادری سبب استحکام و استمرار این رابطه می‌گردید؛ همچنین طبق روایات، پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ میان اصحابی مانند جناب حمزه و زید بن حارثه، ابوبکر و عمر، طلحه و زبیر، عبدالرحمن بن عوف و عثمان و دیگران عقد اخوت برقرار کردند؛ بنابراین کلام ابن تیمیه غیرقابل پذیرش می‌باشد.<sup>۳</sup>

۱. ابن عبدالبر، یوسف، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج ۲، ص ۴۷.

۲. ابن جوزی، ابوالفرج، المجتبی من المجتبی، ج ۱، ص ۷۸.

۳. «وأنكر ابن تیمیة فی كتاب الرد علی ابن المطهر الرافضی المؤاخاة بین المهاجرین وخصوصا مؤاخاة النبی صلی الله علیه

ابن حجر همچنین در کتاب «الإصابة» جریان مؤاخات را به عنوان یکی از فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام برشمرده و می نویسد: هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم میان اصحابش پیوند برادری جاری کردند، به علی علیه السلام فرمودند: تو برادر من هستی.<sup>۱</sup>

#### ۶. سمهودی (متوفی ۹۱۱ق)

وی در کتاب وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی، فصلی را به مسئله مؤاخات میان مهاجرین و انصار اختصاص داده است.

نکته قابل توجه آن است که سمهودی، ماجرای عقد اخوت را دو مرتبه دانسته است. وی معتقد است، یک مرتبه در مکه و پیش از هجرت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم، میان مهاجرین از جمله ابوبکر و عمر عقد اخوت بسته شده است.

مرتبه دوم پس از هجرت نبوی به مدینه و نگارش معاهده با یهودیان مدینه است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دستور دادند که مهاجر و انصار، دو نفر دو نفر با هم پیمان برادری ببندند. سمهودی تصریح کرده است که در هر دو مرتبه، پیامبر علیه السلام با حضرت امیر علیه السلام عقد اخوت خواندند. او دو مرتبه را چنین بیان کرده است: در جریان مؤاخات در مکه، پس از خواندن عقد اخوت میان مهاجران، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پس از سوال از حضرت علی علیه السلام و پاسخ مثبت ایشان فرمودند: تو در دنیا و آخرت برادر من هستی؛ همچنین در مدینه منوره، پس از اجرای عقد اخوت میان مهاجر و انصار، دستان امیرالمؤمنین علیه السلام را گرفته و فرمودند: این برادر من است.<sup>۲</sup>

وسلم لعلي قال: لأن المؤاخاة شرعت لإرفاق بعضهم وتأليف قلوب بعضهم فلا معنى لمؤاخاة النبي صلى الله عليه وسلم لأحد منهم ولا لمؤاخاة مهاجري لمهاجري، وهذا رد للنص بالقياس وإغفال عن حكمة المؤاخاة لأن بعض المهاجرين كان أقوى من بعض بالمال والعشيرة والقوى فأخى بين الأعلى والأدنى ليرتفق الأدنى بالأعلى ويستعين الأعلى بالأدنى وبهذا تظهر مؤاخاته صلى الله عليه وسلم لعلي لأنه هو الذي كان يقوم به من عهد الصبا من قبل البعثة واستمر، وكذا مؤاخاة حمزة وزيد بن حارثة..... وقصة المؤاخاة الأولى أخرجها الحاكم من طريق جميع بن عمير عن ابن عمر "أخى رسول الله صلى الله عليه وسلم بين أبي بكر وعمر، وبين طلحة والزبير، وبين عبد الرحمن بن عوف وعثمان"؛ (عسقلاني، ابن حجر، فتح الباری، ج ۱۳، ص ۵۱۸-۵۱۷).

۱. «ولما أخى النبي صلى الله عليه وسلم بين أصحابه قال له: أنت أخي»؛ (عسقلاني، ابن حجر، الإصابة في تمييز الصحابة، ج ۴، ص ۴۶۴).

۲. «قال ابن إسحاق: وكتب رسول الله صلى الله عليه وسلم كتابا بين المهاجرين والأنصار وادع فيه يهود، وعاهدهم، وأقرهم

مسئله دیگری که اهمیت بسیاری دارد، این است که سمهودی نیز مانند ابن حجر عسقلانی، انکار ماجرای مؤاخات توسط ابن تیمیه را تاب نیاورده و توجیهاات ابن تیمیه را اجتهاد در مقابل نص قلمداد کرده است. به باور سمهودی برخلاف ابن تیمیه که معتقد است ماجرای مؤاخات فایده‌ای ندارد، می‌توان فوایدی برای این ماجرا تصور نمود. رابطه دیرین پیامبر و حضرت امیر علیه السلام نیز، یکی از وجوه پذیرش این فضیلت توسط سمهودی است.<sup>۱</sup>

## ۷. ملاعلی قاری حنفی (متوفای ۱۰۱۴ق)

ملاعلی قاری در کتاب مرآة المفاتیح که شرح مشکاة المصابیح است، متعرض جریان اخوت میان پیامبر و حضرت امیر علیه السلام شده و روایات مختلفی که در این باب نقل شده را، ذکر کرده است.<sup>۲</sup>

وی همچنین در بابی با عنوان «باب مناقب اهل بیت النبی»، حدیث سعد بن ابی-وقاص را نقل کرده که سه ویژگی را برای اهل بیت شمرده است. اولین فضیلت، فضیلت مباحله می‌باشد که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در برابر مسیحیان نجران، حضرت امیر و حضرت زهرا و حسنین علیهم السلام را همراه خود بردند. ملاعلی قاری در شرح این فقره «دعا رسول الله علیاً»

→ علی دینهم وأموالهم، واشترط لهم، وأخى رسول الله صلى الله عليه وسلم بين أصحابه من المهاجرين والأنصار، فقال فيما بلغنا: تاخوا في الله أخوين أخوين، ثم أخذ بيد علي بن أبي طالب فقال: هذا أخي..... وقال ابن عبد البر: كانت المؤاخاة مرتين: الأولى قبل الهجرة بمكة بين المهاجرين، فآخى بين أبي بكر وعمر، وهكذا حتى بقي علي رضي الله عنه فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: أما ترضى أن أكون أباك؟ قال: بلى يا رسول الله، قال: فأنت أخي في الدنيا والآخرة: (سمهودی، علی بن عبدالله، وفاء الوفاء بأخبار دارالمصطفى، ج ۱، ص ۲۰۷).

۱. «وقد أنكر ابن تيمية في الرد على ابن المطهر الرافضي المؤاخاة بين المهاجرين خصوصا مؤاخاة النبي لعلی، قال: لأنها شرعت للإرفاق والتأف؛ فلا معنى لها بينهم، وهو رد للنص وغفلة عن حقيقة الحكمة في ذلك، مع أن بعضهم كان أقوى من بعض بالمال والعشيرة، والاتفاق ممكن، وقد كان النبي صلى الله عليه وسلم يقوم بعلي من عهد الصبا، واستمر ذلك: (سمهودی، علی بن عبدالله، وفاء الوفاء بأخبار دارالمصطفى، ج ۱، ص ۲۰۸).

۲. «وعن ابن عمر قال: آخى رسول الله صلى الله عليه وسلم: بمد الهمزة أي جعل المؤاخاة في الدين (بين أصحابه)، أي اثنين اثنين كأبي الدرداء وسلمان (فجاء علي تدمع عيناه)، أي: فسئل ما لك؟ (فقال): وفي رواية يا رسول الله (أخيت بين أصحابك)، ولم تواخ: بالهمز ويجوز إبداله واوا (بيني وبين أحد. فقال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - أي: جبرا بما كان خيرا له. أنت أخي في الدنيا والآخرة». رواه الترمذی، وقال: هذا حديث حسن غريب، وأخرجه أحمد في المناقب، عن عمر بن عبد الله، عن أبيه، وعن جده أن النبي - صلى الله عليه وسلم - «أخى بين الناس وترك عليا حتى بقي آخرهم لا يرى له أخوا فقال: يا رسول الله أخيت بين الناس وتركنتي. قال: (" ولم تراني تركتك؟ تركتك لنفسي أنت أخي وأنا أخوك فإن ذكرك أحد قل: أنا عبد الله وأخو رسوله لا يدعيها بعد إلا كذاب»؛ (قاری حنفی، ملاعلی، مرآة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، ج ۹، ص ۵۰۷).



تصریح می‌کند: جایگاه والای حضرت علی ع در نزد پیامبر ص و برادری حضرت امیر ع با رسول خدا ص باعث شده است که پیامبر ص، حضرت علی ع را در حکم نفس خود محسوب کنند. همان‌گونه که در آیه، از تعبیر «وأنفسنا و أنفسکم» استفاده شده است.<sup>۱</sup>

#### ۸. ابن امیر صنعانی (متوفی ۱۱۸۲ق)

اگرچه این شخصیت به نوعی از عالمان زیدی مذهب به‌شمار می‌آید، لکن از طرفی تفکرات حدیث‌گرایانه‌ای داشته است و از طرف دیگر، مورد اعتماد جریان وهابیت می‌باشد. به‌طوری‌که کتاب‌های وی با تحقیق محققان وهابی چاپ می‌شود و در مراکز وهابیت، این آثار تدریس می‌شود. با این حال، ابن امیر صنعانی فضائل بسیاری از حضرت امیر ع نقل کرده است؛ از جمله، در مجموعه اشعار خود، با عنوان «التحفة العلویة» که توسط خودش شرح شده است، به ماجرای مؤاخات اشاره کرده است. او چنین سروده است:

«من سواه کان صنوّ المصطفی  
و أخی قال له خیر الوری  
أو سواه بعده کان وصیاً  
و هو أمرٌ ظاهرٌ لیس خفياً»<sup>۲</sup>

چه کسی جز علی بن ابی‌طالب ع برادر پیامبر ص بوده و چه کسی پس از پیامبر ص وصی ایشان بوده است. اشرف موجودات به او برادر گفت و این امر ظاهری است که هیچ زاویه پنهانی نداشته است.

#### ۹. علوی بن طاهر الحداد (متوفای ۱۳۸۲ق)

وی ابتدا به انکار ماجرای مؤاخات میان مهاجرین و میان پیامبر و امیرالمومنین ع توسط ابن تیمیه پرداخته و می‌نویسد: ابن تیمیه منکر این است که پیامبر ص میان مهاجران و میان خود و علی ع پیوند برادری برقرار کرده و گمان می‌کند که فایده‌ای در

۱. «فنزله منزلة نفسه لما بينهما من القرابة والأخوة»؛ (فاری حنفی، ملاعلی، مرقة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، ج ۹، ص ۴۶۵).

۲. صنعانی، ابن امیر، الروضة الندية شرح التحفة العلویة، ص ۱۵۱ و ۱۴۱.

این برادری وجود نداشته است.<sup>۱</sup>

سپس به روایاتی معتبر اشاره کرده است که بیانگر صحت برقراری پیمان برادری، میان مهاجران است. در پایان این بحث، به روایاتی که تصریح می‌کند، حضرت امیر ع برادر رسول خدا ص بوده است، اشاره می‌نماید و در نهایت می‌گوید: حاکم نیشابوری در کتاب المستدرک، روایتی را نقل کرده است که راویانش از رجال صحیح بخاری و مسلم هستند. در این روایت، از علی ع نقل شده است که فرمود: به خدا سوگند من برادر و ولی و پسر عمو و وارث پیامبر ص هستم؛ پس چه کسی نسبت به پیامبر ص برحق‌تر است؟

می‌گویم: ما شهادت می‌دهیم که علی ع راستگو و درستکار است و وای بر دروغگویان.<sup>۲</sup>

علوی بن طاهر الحداد، در جای دیگری، ذهبی را به دلیل پیروی کورکورانه از ابن-تیمیه در تضعیف یکی از روایات روایتی در باب مؤاخات، مورد انتقاد قرار می‌دهد و می‌نویسد: ذهبی بسیاری از اوقات در انکار احادیث از ابن تیمیه پیروی می‌کند؛ مانند اینکه در کتاب لسان المیزان، یک راوی به نام جمیع بن عمیر التیمی که حدیث «أنت أخی فی الدنیا و الآخرة» را روایت کرده، نام می‌برد، و او را مورد طعن قرار می‌دهد؛ چراکه ابن تیمیه جمیع بن عمیر را مورد اتهام قرار داده است. شخص دیگری جز ذهبی و ابن-تیمیه در مورد جمیع بن عمیر، قدحی نکرده است؛ بلکه ابن حجر عسقلانی از او با تعبیر «صدوق» یاد کرده است.<sup>۳</sup>

#### ۱۰. محمد العربی بن تبانی (متوفای ۱۳۹۰ق)

وی پس از بیان انکار ماجرای مؤاخات توسط ابن تیمیه می‌نویسد: روایات عقد اخوت میان

۱. «و انکر ان یکون رسول الله صلی الله علیه وآله أخی بین المهاجرین و بینة و بین علی علیه السلام و زعم أنه لا فائدة فی المؤاخاة بینهم»؛ (حداد، علوی بن طاهر، القول الفصل فیما لینی هاشم و القریش و العرب من الفضل، ج ۲، ص ۵۰۷).

۲. «و أخرج الحاكم فی المستدرک بسند بعض رجاله روی لهم البخاری فی صحیحته و البعض الآخر من رجال صحیح مسلم عن علی علیه السلام أنه قال : والله إني لأخوه و لیه و ابن عمّه و وارث علمه و فمّن أحقّ به منی؟! أقول : و نحن نشهد أنه علیه السلام الصادق الباز فویل للمکذبین»؛ (همان، ص ۵۰۸).

۳. «و کثیراً ما یتبع خطوات ابن تیمیة فی انکار ما أنکره من الحدیث..... کما ذکر جمیع بن عمیر التیمی فی کتاب المیزان لیطعن فی حدیث: أنت أخی فی الدنیا و الآخرة. لأن ابن تیمیة أنکره و قال: «جُمیع متهم» و لم یتهمه غیره و غیر ابن تیمیة و أشباههما مع أنّ الحافظ قال فی جُمیع هذا: صدوق»؛ (همان، ص ۵۴۷).

مهاجران و انصار، توسط پیامبر ﷺ و به خصوص برادری میان خودشان با علی ؑ ثابت است و هیچ فردی از اهل حق (اهل سنت) در این روایات خدشه نکرده و این فریب خورده، پیوسته در این روایت خدشه می کند تا ناصبی بودن خود را نشان دهد.<sup>۱</sup>

**ب: کسانی که حضرت امیر ؑ را به عنوان برادر رسول خدا ﷺ معرفی کرده اند**

تعدادی از علمای اهل سنت در بیان مناقب و فضائل حضرت امیر ؑ، به برادری ایشان با رسول خدا ﷺ اشاره کرده اند؛ در ادامه به ذکر نام برخی از آنان پرداخته می شود و از بیان تفصیل اجتناب می کنیم. این افراد عبارتند از:

۱. آجری (متوفای ۳۶۰ق)؛<sup>۲</sup>
۲. ابن اثیر (متوفای ۶۳۰ق)؛<sup>۳</sup>
۳. نووی (متوفای ۶۷۶ق)؛<sup>۴</sup>
۴. شمس الدین کرمانی (متوفای ۷۵۶ق)؛<sup>۵</sup>
۵. بدرالدین عینی (متوفای ۸۵۵ق)؛<sup>۶</sup>
۶. سیوطی (متوفای ۹۱۱ق)؛<sup>۷</sup>
۷. عبدالله بن سعید الحجی الحضرمی (متوفای ۱۴۱۰ق)؛<sup>۸</sup>

۱. «أقول: احادیث مؤاخاته صلی الله علیه و سلم بین المهاجرین و بینة و بین علی خصوصا ثابتة لم یطعن فیها أحد من اهل الحق و هذا المفتون کرر الطعن فیها ب«لا» لیبهرن علی نضبه»؛ (ابن تبتانی، محمد، برائة الأشعریین من عقائد المخالفین، ج ۲، ص ۱۴۹).

۲. «أخو الرسول صلی الله علیه وسلم و ابن عمه، و زوج فاطمة»؛ (آجری، محمد، الشریعة، ج ۴، ص ۲۰۱۷).

۳. «علی بن أبی طالب... و کتبه: أبوالحسن أخو رسول الله صلی الله علیه وسلم»؛ (ابن اثیر، عزالدین، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، ج ۴، ص ۸۷، شماره ۳۷۸۹).

۴. «وهو أخو رسول الله - صلی الله علیه وسلم - بالمؤاخاة». (نووی، محی الدین، تهذیب الأسماء، ج ۱، ص ۴۸۴).

۵. «قوله (علیا) هو علی بن أبی طالب... وهو أخو رسول الله صلی الله علیه وسلم بالمؤاخاة قال له أنت أخي فی الدنيا والأخرة»؛ (کرمانی، شمس الدین، الکواکب الدراری فی شرح صحیح البخاری، ج ۲، ص ۱۰۹).

۶. «و کتبه علی: أبوالحسن، و کناه رسول الله، علیه الصلاة والسلام: أبا تراب، وهو أخو رسول الله، علیه الصلاة والسلام، بالمؤاخاة»؛ (عینی، بدرالدین، عمدة القاری، ج ۲، ص ۱۴۷).

۷. «أخو رسول الله صلی الله علیه وسلم بالمؤاخاة»؛ (سیوطی، جلال الدین، تاریخ الخلفاء، ص ۱۳۸).

۸. «کتبه علی: أبوالحسن». و کناه رسول الله صلی الله علیه وسلم «أبا تراب»، فكان أحب ما ینادی به إلیه. وهو أخو رسول الله صلی الله علیه وسلم بالمؤاخاة»؛ (حجی حضرمی، عبدالله بن سعید، منتهی السؤل علی وسائل الوصول إلی شمائل

۸. عبدالله التلیدی (متوفای ۱۴۳۸ق)؛<sup>۱</sup>

۹. محمد بن علی بن آدم بن موسی (متوفای ۱۴۴۲ق)؛<sup>۲</sup>

## ج: تصحیح روایات مؤاخات بین پیامبر اکرم و امیرالمؤمنین علیه السلام، توسط علمای اهل سنت

### ۱. بغوی (متوفای ۵۱۶ق)

بغوی در کتاب مصابیح السنة در بیان فضائل و مناقب امیرالمؤمنین علی علیه السلام، به ماجرای عقد پیمان برادری میان صحابه و حدیث نبوی شریف، که خطاب به حضرت امیر علیه السلام فرمودند: «أنت أخي في الدنيا والآخرة»، اشاره کرده و این حدیث را در زمره احادیث حسان ذکر می‌کند.<sup>۳</sup>

### ۲. نورالدین الهیثمی (متوفای ۸۰۷ق)

هیثمی دو روایت را نقل و معتبر دانسته است. در روایت اول، ابن عباس از حضرت امیر علیه السلام نقل کرده است که در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمودند: به خدا قسم، من برادر و ولی و پسر عمو و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هستم و چه کسی نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، از من برحق‌تر است.

هیثمی در مورد اعتبار این حدیث می‌نویسد: این حدیث را طبرانی روایت کرده است و

تمام رجال این حدیث، صحیح هستند.<sup>۴</sup>

الرسول، ج ۱، ص ۱۸۳).

۱. «ابن عمّ الرسول صلی الله تعالی علیه و آله و سلم و أخوه و صهره»؛ (تلیدی، عبدالله، الأنوار الباهرة بفضائل أهل البيت النبوی و الذریة الطاهرة، ص ۳۵).

۲. «وأنه أخو رسول الله -صلى الله عليه وسلم- بالمؤاخاة»؛ (ابن موسی، محمد بن علی، مشارق الأنوار الوهاجة و مطالع الأسرار البهجة فی شرح سنن الإمام ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۸۸).

۳. «من الجسان: عن ابن عمر رضي الله عنه قال: "أخى رسول الله صلى الله عليه وسلم بين أصحابه فجاءه عليّ تدمع عيناه فقال: أختيت بين أصحابك ولم تؤاخ بيني وبين أحد؟ فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: أنت أخي في الدنيا والآخرة»؛ (بغوی، حسین، مصابیح السنة، ج ۴، ص ۱۷۳، ح ۴۷۶۹).

۴. «وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ: أَنَّ عَلِيًّا كَانَ يَقُولُ فِي حَيَاةِ رَسُولِ اللَّهِ: ..... وَاللَّهِ إِنِّي لِأَخُوهُ وَوَلِيُّهُ وَابْنُ عَمِّهِ وَوَارِثُهُ، فَمَنْ أَحَقُّ بِهِ مِنِّْي: رَوَاهُ الطَّبْرَانِيُّ، وَرَجَّاهُ رَجَالُ الصَّحِيحِ»؛ (هیثمی، علی بن ابی‌بکر، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ج ۹، ص ۱۳۴، ح ۱۴۷۶۴).

او در روایت دیگری به ذکر ماجرای «یوم الدار» پرداخته است. طبق این روایت، پیامبر ﷺ در دعوت خویشاوندانش، کسی که به عنوان اولین نفر با ایشان بیعت کند را برادر و همراه خود خواندند. در هر سه مرتبه درخواست رسول خدا ﷺ، تنها فردی که این درخواست را اجابت کرد، علی بن ابی طالب ع بودند؛ در نتیجه، امیرالمؤمنین ع دارای ویژگی برادری و اخوت پیامبر اکرم ﷺ گردیدند. هیشمی در خصوص این روایت چنین نگاشته: این روایت را احمد بن حنبل نقل کرده است و روایانش مورد وثوق هستند.<sup>۱</sup>

### ۳. بوصیری (متوفای ۸۳۹ق)

شهاب‌الدین بوصیری در کتاب مصباح الزجاجة فی زوائد ابن ماجه، در مورد روایت علوی «أنا عبدالله و أخو رسول الله ﷺ» می‌نویسد: سند این روایت صحیح است و روایان آن مورد وثوق هستند.<sup>۲</sup>

بوصیری همچنین در کتاب دیگر خود با نام إتحاف الخیرة المهره بزوائد المسانید العشرة، روایت دیگری را نقل کرده است که پیامبر فرمودند: تو برادر و پدر فرزندانم هستی. او در ادامه می‌نویسد: این روایت را ابویعلی با سندی که روایانش مورد وثوق هستند، نقل کرده است.<sup>۳</sup>

### ۴. احمد محمد شاکر (متوفای ۱۳۷۷ق)

وی در ضمن روایت نبوی که خطاب به حضرت علی ع فرمودند: «أنت أخی و صاحبی»، می‌نویسد: سند این روایت صحیح است.<sup>۴</sup>

### ۵. شعیب الأرئوط (متوفای ۱۴۳۸ق)

شعیب الأرئوط در ضمن روایت نبوی که خطاب به حضرت علی ع فرمودند: «أنت

۱. «فَأَيْتَكُمْ يُبَإِئِنِّي عَلَى أَنْ يَكُونَ أَخِي وَصَاحِبِي؟». قَالَ: فَلَمْ يَقُمْ إِلَيْهِ أَحَدٌ. قَالَ: فَقُمْتُ إِلَيْهِ وَكُنْتُ أَصْغَرَ الْقَوْمِ. فَقَالَ: «أَجْلِسْ». ثَلَاثَ مَرَّاتٍ كُلُّ ذَلِكَ أَقَوْمٌ إِلَيْهِ، فَيَقُولُ لِي: «اجْلِسْ» حَتَّى إِذَا كَانَ فِي الثَّلَاثَةِ صَرَبَ بِيَدِهِ عَلَى يَدِي. رَوَاهُ أَحْمَدُ، وَرَجَالُهُ ثِقَاتٌ؛ (هیشمی، علی بن ابی‌بکر، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ج ۸، ص ۳۰۲، ح ۱۴۱۰۹).

۲. بوصیری، شهاب‌الدین، مصباح الزجاجة فی زوائد ابن ماجه، ص ۱۶۰.

۳. بوصیری، شهاب‌الدین، إتحاف الخیرة المهره بزوائد المسانید العشرة، ج ۷، ص ۲۰۳، ح ۶۶۷۲.

۴. شیبانی، احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۳، ص ۳۲۹، ح ۲۰۴.

أخی و صاحبی»، می‌نویسد: این روایت صحیح لغیره است.<sup>۱</sup>

## ۶. ابواسحاق الحوینی (معاصر)

حوینی که از جمله وهابیون معاصر است. او در تخریج روایات خصائص نسائی، روایت «أنا عبدالله و آخر رسول الله» را تصحیح کرده و نوشته است: سند این روایت حسن است ان شاء الله.<sup>۲</sup>

## نتیجه

برآیند مطالب مذکور به شرح ذیل است.

۱. بر اساس تصریح محمد بن عیسی ترمذی، ابن حجر عسقلانی، ابن جوزی، ابن-عبدالبر، ابن امیر صنعانی، ملاعلی قاری، علوی بن طاهر الحداد و محمد العربی بن تبّانی، ایجاد اخوت میان صحابه توسط پیامبر اکرم ﷺ و اخوت میان حضرت رسول و امیرالمومنین علیه السلام، واقع شده است.

۲. ابن حجر و سمهودی، دیدگاه ابن تیمیه را اجتهاد در مقابل نص می‌دانند. آنان معتقد هستند که ایجاد اخوت میان صحابه، فواید بسیاری را شامل می‌شود.

۳. سمهودی معتقد است که پیامبر اکرم ﷺ در طول حیات شریف، دو مرتبه میان صحابه عقد اخوت ایجاد کردند.

الف: مرتبه نخست در مکه و پیش از هجرت حضرت رسول ﷺ بود.

ب: مرتبه دوم پس از هجرت از مکه به مدینه و پس از آن که میان پیامبر ﷺ و یهودیان مدینه، معاهده امضا شد.

۴. محمد العربی بن تبّانی معتقد است که انکار حدیث اخوت توسط ابن تیمیه، کاشف از ناصبی بودن اوست.

۵. بسیاری از حدیث‌شناسان اهل تسنن مانند نورالدین هیثمی، بوصیری، بغوی، احمد محمد شاکر، شعیب الارنؤوط و ابواسحاق الحوینی، معتقدند که حدیث اخوت با سند معتبر نقل شده است.

۱. شبیبانی، احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۳، ص ۴۸۰، ح ۲۰۴۰.

۲. «إسناده حسن إن شاء الله»: (حوینی، ابواسحاق، تهذیب خصائص النسائی، ص ۶۵، ح ۶۳).

۶. این فضیلت برای عالمان اهل سنت تا حدی ثابت بوده است که در هنگام تبیین ویژگی‌های امیرالمومنین علیه السلام از صفت «أخو الرسول» یاد نموده‌اند. نووی، سیوطی، آجری، شمس‌الدین کرمانی، محمد بن علی بن آدم بن موسی، ابن اثیر، بدرالدین عینی، عبدالله بن سعید الحجی الحضرمی و عبدالله التلیدی برخی از کسانی که به این منقبت اشاره کرده‌اند.

## منابع

١. ابن اثير، عز الدين، **أسد الغابة فى معرفة الصحابة**، محقق: على محمد معوض، عادل أحمد عبد الموجود، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤١٥ق.
٢. ابن تيمية، احمد، **منهاج السنة**، تحقيق: محمد رشاد سالم، رياض: جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، چاپ اول، ١٤٠٦ق.
٣. ابن جوزى، ابوالفرج، **المجتبى من المجتنى**، قاهره: دار الأفاق العربية، چاپ اول، ١٤١٩ق.
٤. مالكي، ابن عربى، **عارضة الاحوذى بشرح الصحيح الترمذى**، بيروت: دارالكتب العلمية، بى تا.
٥. ابن عبدالبر، يوسف، **الاستيعاب فى معرفة الأصحاب**، بيروت: دارالفكر، ١٤٢٦ق.
٦. ابن حنبل شيبانى، احمد، **فضائل الصحابة**، محقق: وصى الله محمد عباس، بيروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ١٩٨٣م.
٧. بلأدرى، أحمد بن يحيى، **جمل من أنساب الأشراف**، تحقيق: سهيل زكار ورياض الزركلى، بيروت: دار الفكر، چاپ اول، ١٩٩٦م.
٨. أجرى، محمد، **الشريعة**، تحقيق: عبدالله الدميجي، رياض: دارالوطن، چاپ دوم، ١٤٢٠ق.
٩. بغوي، حسين، **مصابيح السنة**، بيروت: دار المعرفة للطباعة والنشر والتوزيع، چاپ اول، ١٤٠٧ق.
١٠. ابن تبتانى، محند العربى، **برائة الأشعريين من عقائد المخالفين**، قاهره: دارالمصطفى، چاپ اول، ١٤٢٧ق.
١١. ابن موسى، محمد بن على، **مشارك الأنوار الوهاجة و مطالع الأسرار البهجة فى شرح سنن الإمام ابن ماجه**، رياض: دار المغنى، چاپ اول، ٢٠٠٦م.
١٢. بوسيرى، شهاب الدين، **إتحاف الخيرة المهرة بزوائد المسانيد العشرة**، رياض: دارالوطن، چاپ اول، ١٤٢٠ق.
١٣. بوسيرى، شهاب الدين، **مصباح الزجاجاة فى زوائد ابن ماجه**، مدينه: الجامعة الاسلاميه، چاپ اول، ١٤٢٥ق.
١٤. ترمذى، محمد بن عيسى، **سنن الترمذى**، رياض: مكتبة المعارف، چاپ اول، بى تا.
١٥. تليدى، عبدالله، **الأنوار الباهرة بفضائل أهل البيت النبوى و الذرية الطاهرة**، رياض: مكتبة الإمام الشافعى، چاپ اول، ١٤١٧ق.
١٦. حداد، علوى بن طاهر، **القول الفصل فيما لبني هاشم و قريش و العرب من الفضل**، قاهره: مكتبة الصباح، ١٤٣٩ق.
١٧. حوينى، ابواسحاق، **تهذيب خصائص النسايى**، بيروت: دارالكتب العلمية، چاپ اول، ١٤٠٥ق.
١٨. سمهودى، على بن عبدالله، **وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفى**، بيروت: دارالكتب العلمية، بيروت،



چاپ اول، ۱۴۲۷ق.

۱۹. سیوطی، جلال الدین، **تاریخ الخلفاء**، مکه: مكتبة نزار مصطفى الباز، چاپ اول، ۱۴۲۵ق.
۲۰. شوشتری، نورالله بن شریف الدین، **إحقاق الحق و إزهاق الباطل**، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ق.
۲۱. شیبانی، أحمد بن حنبل، **مسند أحمد بن حنبل**، تحقیق: شعب الأرنؤوط و عادل مرشد و دیگران، بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۲۲. صنعانی، ابن امیر، **الروضة الندية شرح التحفة العلوية**، صنعاء، مطبوعات مكتبة مركز بدر، چاپ دوم، ۱۴۳۲ق.
۲۳. بخاری دهلوی، عبدالحق بن سیف الدین، **لمعات التنقيح في شرح مشكاة المصابيح**، تحقیق و تعلیق: تقی الدین ندوی، دمشق: دار النوادر، چاپ اول، ۲۰۱۴م.
۲۴. عسقلانی، ابن حجر، **فتح الباری بشرح صحيح البخاری**، دمشق: الرسالة العالمية، چاپ اول، ۱۴۳۴ق.
۲۵. عسقلانی، ابن حجر، **الإصابة في تمييز الصحابة**، تحقیق: عادل أحمد عبدالموجود، و علی محمد معوض، بیروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۲۶. عینی، بدرالدین، **عمدة القاری**، بیروت: دار إحياء التراث العربي، بی جا.
۲۷. غماری، احمد بن محمد، **فتح الملك العلی بصحة حديث باب مدينة العلم علی**، مصر: المطبعة الاسلامية، بی تا.
۲۸. قاری حنفی، ملاعلی، **مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح**، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۲۹. کرمانی، شمس الدین، **الکواکب الدراری فی شرح صحيح البخاری**، بیروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۱ق.
۳۰. حجی حصرمی، عبدالله بن سعید، **منتهی السؤل علی وسائل الوصول إلى شمائل الرسول**، جده: دارالمنهاج، چاپ سوم، ۱۴۲۶ق.
۳۱. مجلسی، محمد باقر، **بحار الأنوار**، بیروت: دار إحياء التراث العربي، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۳۲. نووی، محیی الدین، **تهذيب الأسماء و اللغات**، بی جا: بی تا، بی نا.
۳۳. هیتمی، احمد بن محمّد، **الصواعق المحرقة علی أهل الرفض والضلال والزندقة**، تحقیق: عبدالرحمن بن عبدالله التركي وکامل محمد الخراط، لبنان: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۳۴. هیتمی، علی بن ابی بکر، **مجمع الزوائد ومنبع الفوائد**، تحقیق: حسام الدین القدسي، قاهره: مكتبة القدسي، ۱۴۱۴ق.